

یک دانہ ی کوچک: داستان وانگاری ساتی

# Storybooks Canada

[storybookscanada.ca](http://storybookscanada.ca)

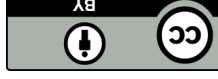
یک دانہ ی کوچک: داستان وانگاری ساتی

Written by: Nicola Rijdsdijk

Illustrated by: Maya Marshak

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi!

This story originates from the African Storybook ([africanstorybook.org](http://africanstorybook.org)) and is brought to you by Storybooks Canada in an effort to provide children's stories in Canada's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



✎ Nicola Rijdsdijk

👤 Maya Marshak

📄 Marzieh Mohammadian Haghighi!

😊 Persian

📖 Level 3





در روستایی روی سرازیری کوه کنیا در شرق آفریقا، دختر  
کوچکی با مادرش روی زمینی کار می کرد. اسم آن دختر  
وانگاری بود.

کرم فرم می‌کرد و روی آن را با خاک می‌پوشانید.  
 خاک را زیر خاک و در زیر خاک را در زیر خاک  
 جانوران همیشه آن‌ها را می‌بینند و در زیر خاک  
 و انگاری از تنورن بودن می‌پزد. در ناخفته‌ی

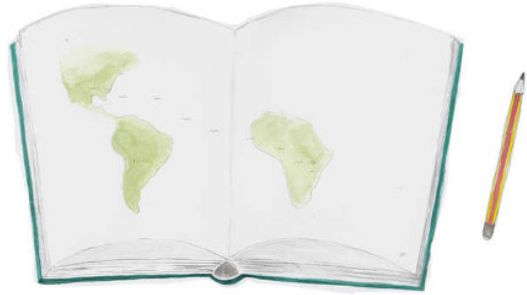




بهترین زمان مورد علاقه ی او در طول روز، زمان غروب بود. زمانی که خیلی تاریک می شد و نمی شد گیاهان را دید، وانگاری می دانست که دیگر باید به خانه برگردد. او از کنار رودخانه ها و مسیرهای باریکی که در بین زمین های کشاورزی بود رد می شد.

وانگاری در سال 2011 از دنیا رفت، ولی ما هر وقت که به یک درخت زیبا نگاه می کنیم به یاد او می افتیم.





او به یادگیری علاقه داشت! وانگاری با خواندن هر کتاب مطالب بیشتر و بیشتری یاد گرفت. او در مدرسه عالی بود به طوری که برای ادامه تحصیل به ایالات متحده ی آمریکا دعوت شد. وانگاری هیجان زده بود! او می خواست که بیشتر در مورد دنیا بداند.



همچنان که زمان می گذشت، درخت های جدید در جنگل ها رشد کردند، و رودخانهها دوباره جاری شدند. پیام وانگاری در سرتاسر آفریقا پیچید. امروزه میلیون ها درخت از بذرهای وانگاری رشد کرده اند.

و بترومندی کنید.

قدیمی‌ترین احساسی که بوده کرد که آنها به انگاری بودند. جانوران همیشه استفاده می‌کردند. زنان جتلی جوشان جانورانه را می‌فروختند و از پوشش برای مراقبت از درخت‌ها استفاده از دانه‌ها درخت بکارند. زنان جگونه می‌توانند با استفاده از دانه‌ها درخت بکارند. زنان انگاری می‌دانست که چه کار کند. او به زنان یاد داد که



در دانشگاه آمریکا و انگاری چیزهای جدید زیادی یاد گرفت. او در مورد گیاهان و اینکه چگونه رشد می‌کنند درس داد. می‌توانند با استفاده از دانه‌ها درخت بکارند. زنان جگونه می‌توانند با استفاده از دانه‌ها درخت بکارند. زنان انگاری می‌دانست که چه کار کند. او به زنان یاد داد که





هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر می‌فهمید که چقدر مردم کنیا را دوست دارد. او می‌خواست که مردم شاد و آزاد باشند. هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر خانه‌ی آفریقایی‌اش را به یاد می‌آورد.



وقتی که تحصیلاتش به پایان رسید، به کنیا برگشت. ولی شهرش تغییر کرده بود. مزرعه‌های خیلی بزرگ در طول زمین گسترده شده بودند. زن‌ها دیگر هیزم برای آشپزی نداشتند. مردم فقیر بودند و بچه‌ها گرسنه.